

لایه های پیدا و پنهان گفتگو های صلح

سرمقاله

آیا پروژه طالبان به پایان خود نزدیک شده است؟

حفیظ الله زکی

بر مبنای گزارش برخی رسانه ها، اخیرا گروه طالبان به رهبر داعش نامه نوشته و از او خواسته است تا در افغانستان جبهه دیگری را برای مبارزه با خارجی ها باز نکند. این نامه توسط ملا اختر محمد منصور امضاء شده و در آن او خود را سرپرست شورای رهبری و نایب «امارت اسلامی افغانستان» خوانده است.

گروه طالبان در این نامه از داعش خواسته که با طالبان همکاری کند و مایه ناراحتی و ناخشنودی بزرگان مجاهدین، علماء دین و هزاران تن مجاهدین مسلح را فراهم نسازد. اگرچه این نامه در کل هشداری به گروه دولت اسلامی (داعش) به شمار می آید؛ اما در این نامه نکته های بسیار ظریفی وجود دارد که بسیاری از حقایق پنهان و ناگفته را بر ملا می سازد.

نخستین پرسش این است که چرا نامه به امضای رهبر گروه طالبان امضاء شده است. ملا عمر خود را امیر المؤمنین و ابوبکر البغدادی هم خود را خلیفه مسلمین جهان می داند و ایجاب می کرد که رهبر طالبان خود به پای این نامه را امضا می کرده؟ مگر این که گفته شود، هنوز رهبر طالبان خلافت رهبر داعش را نپذیرفته است و از این لحاظ او مقامش را بالاتر از رهبر داعش می داند. دوم: در این نامه واژه مجاهد است که به نیروهای طالبان و داعش یکسان استعمال شده است.

سوم: در این نامه از محبت و اخلاص نیروهای طالبان به داعش و رهبری آن یاد شده است. چهارم: طالبان به رهبر داعش تذکر داده است که هیچ ضرورت شرعی و عقلی برای گشودن جبهه موازی جدید در افغانستان موجود نیست. این یعنی طالبان همان اهداف و برنامه های شما را به پیش می برند و از این نظر تفاوتی میان طالبان و داعش وجود ندارد.

پنجم: هشداری است که به رهبر داعش داده می شود، که اگر در افغانستان برای امارت اسلامی از سوی داعش جنبالی ایجاد شود، تمام مسلمانان جهان از شما ناراحت و ناخشنود خواهند شد. در کل این نامه دو روی دارد. در روی اول آن نوعی برتری توام با مدارا و معاشات دیده می شود. امضای نامه توسط فرد شماره دوم طالبان، تعبیر امارت اسلامی و نیز گوشه زدن این که تمام مسلمانان جهان نسبت به طالبان ارادت و علاقه مندی دارند و از رهبری این گروه حمایت می کنند، بیانگر آن است که رهبر طالبان از موضع بالاتر خواسته با رهبر داعش برخورد نماید. درخواست همکاری داعش با طالبان به معنای این است که آن گروه تحت رهبری طالبان و در چوکات امارت اسلامی فعالیت های شان را دنبال کنند.

روی دیگر این نامه بیانگر ترس و هراسی است که گروه طالبان از حضور داعش در افغانستان احساس کرده اند. تا هنوز جنگ های شدیدی میان نیروهای طالبان و داعش در تعدادی از ولایات صورت گرفته است و تعدادی از فرماندهان و نیروهای طالبان هم به این گروه پیوسته است.

طالبان از یک طرف می داند که پدیده داعش در افغانستان یک امر تصادفی و داخلی نیست. داعش هیچ نسبتی با مردم افغانستان ندارد. بنابراین داعش یک پروژه جدیدی است که با همکاری برخی کشورهای خارجی در افغانستان روی دست گرفته شده است. پذیرش این واقعیت برای طالبان نگران کننده است؛ زیرا این گمانه را تقویت می کند که آغاز فعالیت داعش به معنای پایان دوره طالبان خواهد بود.

از سوی دیگر حضور داعش وزن طالبان را در عرصه نظامی و سیاسی کم خواهد کرد. وقتی تمام عملیات ها و ناامنی ها و جنگ ها به داعش نسبت داده شود، نقش طالبان در عرصه نظامی و سیاسی به حاشیه خواهد رفت و قدرت چانه زنی طالبان در مذاکرات صلح را نیز سبوتاژ خواهد کرد.

تا حال طالبان به عنوان تنها طرف مذاکرات صلح، که توافق با آن سبب تأمین امنیت در کشور می گردید، می توانست امتیازات کلانی را از حکومت افغانستان نصیب شود؛ اما اکنون طالبان این اهمیت خود را از دست داده است؛ زیرا صلح با طالبان به معنای تأمین امنیت سراسری در کشور نیست. از اینرو رهبران این گروه تلاش می کنند تا قدرت در حال فرسایش خود را به هر حال دوباره ترمیم و بازسازی نمایند.

سال ها از گفتگوهای صلح میان حکومت و گروه طالبان می گذرد اما با گذشت زمان و جدی شدن آن لایه ها و ابعاد مختلف آن نمایان می شود. چند لایگی و پیچیدگی گفتگو های صلح نشان پیچیده بودن جنگ در افغانستان است. اشتباه است اگر بپنداریم که در جنگ افغانستان تنها حکومت افغانستان و گروه طالبان دخیل است و در پشت گروه طالبان هیچ کشور و گروهی وجود ندارد. وجود کشورهای مختلف در پشت صحنه گروه طالبان نشان می دهد که جنگ در افغانستان پیچیده بوده است و اکنون دست یابی به صلح به همان اندازه پیچیده و چند لایه است. عبور از لایه ها نیازمند عقلانیت، سیاست و پالیسی ها داخلی و متوازن با سیاست خارجی در قبال کشورهای منطقه و جهان است. گفتگو های صلح با چه پیچیدگی ها و لایه های مواجهه است؟ آیا گفتگوی صلح با لایه ها و پیچیدگی های خود به نتیجه می رسد؟ حکومت با چه نوع سیاست ها و برنامه ها قادر به آوردن صلح در افغانستان خواهد بود؟ در نوشتار کنونی سعی می شود با بررسی ابعاد گفتگوی های صلح به پرسش های مطرح شده پاسخ درخور داده شود.

اول: در آغاز گفتگو های صلح ذهن مقامات افغانی به این مسئله درگیر بود که چگونه پاکستان را وارد به پذیرش و همکاری در پروسه صلح نماید. این درگیری ذهنی ناشی از این مسئله بود که مقامات افغانستانی این باور بودند که سازمان استخباراتی پاکستان رابطه نزدیک با گروه طالبان ندارد. مسئله اصلی، تنها به رابطه خلاصه نمی شد. بلکه باور نخبگان ما بر این بود که سازمان استخبارات پاکستان بر گروه طالبان کنترل دارد. هر گونه که سازمان استخبارات پاکستان بخواهد، گروه طالبان همان طور رفتار خواهد کرد. بر اساس همین پیش فرض، رئیس جمهور حامد کرزی بیش از بیست بار به پاکستان سفر نمود تا مقامات پاکستانی را متقاعد سازد که از گروه طالبان حمایت نکند و در پروسه صلح همکاری نماید. این ذهنیت اما، ریشه

های عمیق یافت. حکومت کنونی نیز بر این باور است که مقامات پاکستانی و سازمان استخبارات پاکستان روابطی با گروه طالبان دارد. برای همین، اولین اقدامات رئیس جمهور غنی، در بخش سیاست خارجی متوجه پاکستان بود. سفر او به عربستان سعودی، چنین برای فشار آوردن بر پاکستان بود تا این کشور در پروسه صلح با حکومت افغانستان همکاری نماید. سومین سفر رئیس جمهور نیز به پاکستان صورت گرفت. تا هنوز بخش از انرژی حکومت وحدت ملی در بخش سیاست خارجی در راستای متقاعد کردن پاکستان در آوردن صلح در افغانستان مصرف شده است. در آینده نیز، یکی از مهمترین و اساسی ترین تمرکز سیاست خارجی ما روی این مسئله خواهد چرخید. با این حال، رابطه گروه طالبان و سازمان استخبارات پاکستان یکی از لایه های پیچیده است که گفتگوی صلح با آن مواجه است.

دوم: لایه دوم را روابط گروه طالبان با ایران تشکیل می دهد. در تازه ترین مورد، ملا عبدالله یکی از اعضای گروه طالبان با یکی از رسانه های غربی مصاحبه ای انجام داده است که بر اساس آن گروه طالبان پیوند و رابطه دیرینه و نزدیک با ایران دارد. بر اساس گفته های این عضو گروه طالبان، آن ها در مواقع که دچار کمبود اسلحه می شد، سرراخ ایران را می گرفت و ایران همه نوع امکانات و نیازمندی های ما را تأمین می کرد. در عین حال، این عضو گروه طالبان سخن از پرداخت معاش ماهانه از سوی حکومت ایران نیز پرده برداشت. در حالی از چنین روابطی پرده برداشته می شود، که ایران روابط خود با طالبان در سایه حضور داعش در افغانستان توجیه می کند. نوع و مبنای شکل گیری رابطه ایران با گروه طالبان هر چه باشد، اما نشان می دهد که گفتگوی صلح و دست یافتن به صلح پیچیده است. این رابطه نشان می دهد که حکومت وحدت ملی تنها نیازمند متقاعد کردن پاکستان برای گفتگو های صلح نیست. بلکه نیازمند آن است تا

تهران را نیز وارد این پروسه نماید. سوم: گروه طالبان پیوند با گروه های تندرو در

های صلح و متقاعد کردن آن ها در قطع پیوند و رابطه گروه طالبان و با گروهک

علی قادری



است و اکثریت جامعه پشتون و به خصوص روستا نشینان شان از گروه طالبان حمایت می کند. اگر این پیوند شکسته شود، امکان گفتگو های صلح نیز ممکن می گردد. باور نگارنده این است که برای گفتگو های صلح نیازمند آتیم تا دگرگونی در جامعه پشتون به وجود آوریم. یک دگرگونی درونی و ذهنی و تغییر در جهان بینی پشتون ها. با این تغییر امکان گسست میان جامعه پشتون و گروه تندرو امکان پذیر می شود. اکنون تفکیک میان جامعه پشتون و گروه طالبان سخت و دشوار است. با دگرگونی در جهان بینی جامعه پشتون همه چیز دگرگون خواهد شد. لایه های بیرونی نیز خود به خود از میان خواهد رفت. با این حال، ما در گفتگو های صلح نیازمند متقاعد کردن همه کشور ها در گفتگو های صلح باشیم. کشور های که در بالا ذکر شد از لایه هایست که ما نیازمند دخیل آن ها در گفتگوی صلح می باشیم.

های تروریستی آن کشورهاست. چهارم: کشور های عربی برای گروه طالبان به عنوان شاهرگ اقتصادی شان مطرح است. عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و ... از جمله کشور های است که با گروه طالبان ارتباط دارد. کمک های مالی زیادی به این گروه می کند. اشتباه است اگر بپنداریم که این کمک ها در سال های حضور جامعه جهانی در افغانستان قطع شده است. این کمک ها در این سال ها نیز ادامه داشته است و اکنون نیز ادامه دارد. اگر کمک های مالی این کشور ها به گروه طالبان قطع می شد. امکان ادامه حیات این گروه ممکن نبود. رابط گروه طالبان با کشورهای عربی یکی دیگر از لایه ها و پیچیدگی گفتگو های صلح است. پنجم: لایه مهم و اساسی پیوند و ارتباط این گروه با مردم افغانستان است. شاید اشتباه نباشد که بگوییم که جامعه پشتون از گروه طالبان حمایت می کند. می توان

کشور های آسیای میانه دارد. اگر چه به صورت مستقیم کشور های آسیای میانه با گروه طالبان دخیل نیست اما پیوند گروه طالبان با گروه های تروریستی در کشورهای آسیای میانه می طلبد که حکومت وحدت ملی با ایجاد روابط با کشورهای آسیای میانه در صدد قطع این رابطه شود تا اندیشه های و افکار گروه های تروریستی آسیای میانه تأثیری بر گفتگو های صلح در افغانستان نگذارد. به غیر از حزب التحریر است که به دنبال خشونت نیست به احتمال زیاد، دیگر گروه های تروریستی در آسیای میانه می خواهند پیوند خود را با گروه طالبان قطع نماید و رابطه ای با گروه داعش برقرار نماید. با این حال، به زودی این مهم امکان پذیر نیست. گروه طالبان با گروهک های تروریستی در آسیای میانه روابط خود را حفظ خواهد کرد. بنابراین، یکی از لایه های گفتگو های صلح آوردن کشور های آسیای میانه در پروسه گفتگو

جنگ عادلانه در فلسفه سیاسی سنت آگوستین

سید صادق حقیقت / قسمت سوم

مطیع دست خداوند است و اراده او حاکم بر طبیعت است. در واقع اگر ما دانایی خداوند و لطف الهی را تصدیق کنیم می پذیریم که جهان با لطف الهی اداره می شود. در نگاه سبیسرو و تلاش خدا در مفهوم او حفظ نظم طبیعی است. اما این مفهوم از خداوند تا حد بسیار زیادی متفاوت از مفهوم خداوند در دیدگاه آگوستین است. آگوستین یک مسیحی معتقدی آراء سنتی به خداوند بود. خداوند آگوستین همانند خدای سبیسرو فرمانروای جهان

سربپیچی از قانون طبیعی منع گردیده و اگر کسی از آن سربپیچی کند بوسیله بردگی کیفری مهار می شود و بندگی جزای سربپیچی از یک قانون ابدی تغییر ناپذیر است و برای همه ملت ها در طول زمانهای مختلف و مکانهای مختلف یک شکل است و زمان حال و آینده برای آن یکی است و ما حق نداریم که با نگاه به اطراف مان آنها را تفسیر کنیم. اعتبار این قانون در طول زمان وجود دارد این قانون فرمان خداوند است و برای همه مانوشته شده است. و نویسنده این

بلکه بر مبنای قانون واقعاً متصفاته خداوند قادر حکم می کند هیچ نمی دانستیم بر مبنای همین قانون است که هر مکان و هر عصر قانون آداب و رسوم اخلاقی مناسب خود را قوام می بخشد و هر چیز که خود این قانون همیشگی و از همه تقاطع عالم یکی بیش نیست و از محلی به محلی دیگر یا از عصری به عصر دیگر دست خوش دگرگونی نمی شود. آگوستین، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲) وظایف دینی دعوت کرده می نویسد: ((اگر شما می توانستید فاضل الهی رادریافت کنید و لطف الهی شامل حال شما می شد عدالت شکل می گرفت)). Augustin, ۱۸۵۹, CLV

این نگاه یک منبع اصلی اختلاف بین او و آگوستین در تعریف عدالت گردید. این حال آگوستین عدالت را در معنای اصلی اش به عنوان یک فضیلت بزرگ مدنی می پذیرد و تأکید می کند که تبعیت از آن موجب نظم اجتماعی می شود و در این صورت عدالت اجرا می گردد. آگوستین در نامه ای به یک صاحب منصب مسیحی اهل روم به نام سک و تیروس (Mac aenius) اورا به تقوای الهی در اجرای وظایف دینی دعوت کرده می نویسد: ((اگر شما می توانستید فاضل الهی رادریافت کنید و لطف الهی شامل حال شما می شد عدالت شکل می گرفت)). Augustin, ۱۸۵۹, CLV

بر این اساس، انسانهای واقعی کسانی هستند که قادر به کسب فضیلت اند. آنها هم تقوای حقیقی و هم زهد مسیحی دارند و این فضیلت حقیقی (Justitia) را نشان میدهد و این همان مفهوم واقعی از عدالت است که آگوستین در توافق با سبیسرو که عدالت را فضیلت مدنی می داند ارائه کرده است. به گفته آگوستین، مسیحیان تنها توانایی تسلیم خود در برابر فرمان خدا و دریافت فرمان خدا را دارند و در نتیجه، تمرین فضیلت واقعی صمدان عدالت است. در حالی که سبیسرو کنترل گناه را تولید فضیلت می دانست و آن را جزو ریشه های فضیلت به شمار می آورد و از طرفی سرکوب گناه و تولید فضیلت را به صورت فطری در تمام انسانها موجود می دانست، (Cicero, ۱۹۷۵-۱۹۷۹, III, xxii)

این نوشته حکایتی از آن دارد که آگوستین در تعریف عدالت نیازی به تعریف عدالت سبیسرو ندارد و دیدگاه خود را با الهام از الهیات مسیحی پیرامون منبع فضیلت مطرح می کند. با این حال هر دو اندیشه عدالت را یک محصول خارجی که ایجادکننده آن موجب درونی دارد می دانند و تنها تغییر آگوستین در تعریف عدالت نیاز انسان به خداوند برای تغییر علت درونی به عنوان یک منبع اصلی است. عدالت در دیدگاه آگوستین فضیلتی است که از طریق درمان افراد منحرف از طریق لطف الهی شکل می گیرد و ظلم را دور شدن از این عدالت و فضیلت و غوطه ور شدن در غرور و ریذلت می داند، در نهایت عدالت به عنوان یک اصل مسلم عبارت از فضیلتی است که حق را به حقدار می رساند. با این حال در جامعه ای عدالت جریان دارد که انسانهای آن دارای فضیلت هستند و از ریذلت ها دوری میکنند. حال افرادی که در جامعه مرتکب اشتباه شوند باید مجازات شوند و فرقی نمی کند که متجاوز خارجی و یا داخلی در مشترک المنافع باشد. بنابراین تجاوز به مشترک المنافع توسط حزب و گروهی که از عدالت دوری گزیده اند خطا محسوب شده و افراد خاطی مرتکب گناه شده اند، در نهایت اقسام علیه این عده اعلام جنگ عادلانه است و زمانی که این اقدام اعلام گردد جنگ، عادلانه و مشروع است.

۴. قانون های طبیعی و مادی

۴.۱. قانون طبیعی مفهوم قانون طبیعی آگوستین به میزان قابل توجهی متفاوت از سبیسرو است. او در اعتراضات می نویسد: از آن عدالت زیر بنایی و راستین که نه بر اساس سفارش



است، اما بر خلاف او خواهان عبادت و یک رابطه ای شخصی با افراد است که در زندگی دیده شود. تخلف از قانون طبیعی گناهی جهان شمول شناخته شده است و زیر پا نهادن قانون طبیعی زمانی روی می دهد که انسان سعی کند همانند خداوند شود و به نظم طبیعی هجوم آورد. قانون طبیعی در این نگاه قدرتی است که رتبه خداوند را بالاتر از انسان قرار می دهد و این تغییر ناپذیر است. خداوند تنظیم کننده نظم طبیعی است و سربپیچی از نظم طبیعی تمرد در برابر خداوند است. این ایسده آگوستین در نامه ای به هیلاریوس (Hilarious) گنجانده شده است که در آن می نویسد: ((اما همه گناهکاران، زمین را تبدیل به محل خیله گیری(prevaricators) کرده و این کار سنتیز در برابر قانون دیگر است)) Augustin, ۱۸۵۹, CLVII ادامه دارد

قانون و اعلام کننده آن و اجراء کنندگان این قانون حکیمان الهی هستند)) Augustin, ۱۹۴۷-۱۹۴۸, XIX, xv این نوع برداشت بر گرفته از اندیشه سبیسرو است و در کتاب جمهورکسانی راکه قانون را زیر پا میگذارند، اینگونه معرفی می کند: ((و ناقرمان کسی است که خود را وطبیعت انسانی خود را انکار می کند، و بر اساس میل خود رفتار می کند. این نافرمانی او را مستحق بدترین مجازات ها می کند و فرار از این قوانین مستحق مجازات است قانون طبیعی ابدی و غیر قابل تغییر است)). Augustin, ۱۹۷۵-۱۹۷۹, III, xxii آگوستین همانند سبیسرو معتقد است که قانونگذاران، قانون طبیعی را نشاءت گرفته از خداوند می دانند و طبیعت به عنوان یک ماده در واقع هیچ چیز دیگری نیست و برتر از خداوند نیست. از این رو جهان توسط او اداره می شود و



جنگ، تباهی و نابودی انسان

- صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سرمدیر: حفیظ الله زکی

کارکاتوریست: خالق علی زاده

- دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
- مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

- روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
- هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
- مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN
The Leading Independent Source